

الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی

قاسم عسکری*

حسین صمصامی**

چکیده

تأثیر تأمین مالی بر تولید، اشتغال و رشد اقتصادی امری آشکار است. نظام تأمین مالی اسلامی متشکل از نهادها، ابزارها و بازارهای مالی است. این نظام زیرمجموعه اقتصاد اسلامی و با ابزارهای مالی اسلامی (PLS) ایفای نقش می‌کند. با الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی اهداف کارآمدی، عدالت و ثبات بخشی محقق می‌شود. مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در این طرح با نقش واسطه‌ای وظیفه انتقال وجوه را با ابزارهای مالی اسلامی انجام می‌دهند و تقاضای سرمایه‌گذاری کارآفرینان را تأمین می‌کنند.

الگو با روش توصیفی-تحلیلی و کشف موضوع ارائه می‌شود. فرضیه تحقیق این است که در صورت اجرای واقعی عقود مشارکتی در چارچوب فقه اسلامی، هماهنگی بخش واقعی و مالی اقتصاد برقرار می‌شود. براساس نتایج پژوهش این الگو ساختار جدیدی از نظام مالی اسلامی است که معیارهای تأمین مالی اسلامی را تأمین می‌کند. در آن تسهیلات مربوط به عقود مشارکتی از نظام بانکی جدا و به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری سپرده می‌شود.

نیازهای تسهیلاتی بنگاه‌های اقتصادی در ایجاد سرمایه و راه‌اندازی و جریان تولید و سرمایه در گردش طبقه‌بندی می‌شود. پاسخگویی به آنها یکی از الزامات الگو است. الگو چارچوبی برای اجرای قانون جدید بانکداری و با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود با یک برنامه‌ریزی و زمان‌بندی معین قابل اجراست.

واژگان کلیدی: نظام مالی اسلامی، عقود مشارکتی، روش‌های تأمین مالی، بانکداری اسلامی.

طبقه‌بندی JEL:

مقدمه

نقش و تأثیر تأمین مالی بر تولید، اشتغال، فرایند توسعه و رشد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. نظام تأمین مالی متشکل از نهادها، ابزارها و بازارهای مالی است. در اسلام این نظام زیرمجموعه اقتصاد اسلامی است که با داشتن روابط نظام‌مند و تعاملی، وظیفه انتقال وجوه از واحدهای اقتصادی دارای مازاد منابع مالی به واحدهای دچار کمبود منابع در چارچوب اصول و قوانین اسلامی را بر عهده دارد. این نقل و انتقال باید به کمک ابزارهای مالی اسلامی درست انجام شود که از جمله آن ابزارها، عقود مشارکتی (PLS) است.

ویژگی عقود مشارکتی این است که اگر درست انجام شود، ارتباط بین بخش واقعی و مالی اقتصاد را برقرار می‌کند؛ یعنی تسهیلاتی که از طریق این عقود اختصاص می‌یابد با توجه به ماهیت این عقود جذب بخش واقعی اقتصاد می‌شود که به طور طبیعی رشد متناسب اقتصادی را به دنبال دارد؛ اما آمارها در بانکداری ایران این مطلب را تأیید نمی‌کند. این امر بیانگر این است که تسهیلات پرداختی وارد بخش حقیقی اقتصاد نمی‌شود. عمده‌ترین دلیل آن، فقدان ساختار مناسب است؛ یعنی ساختار بانک که برای عقد قرض با بهره طراحی شده برای اجرای عقود مشارکتی مناسب نمی‌باشد؛ از این رو طراحی الگوی اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی این تحقیق را ضروری می‌کند؛ الگوی مناسب که اهداف نظام مالی اسلامی (کارآمدی، عدالت و ثبات بخشی) را تأمین نماید.

هدف تحقیق، طراحی الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی، برای کمک به تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و رشد اقتصادی و در نتیجه ایجاد اشتغال و رونق تولید است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی چیست؟ چرا تسهیلات پرداختی از طریق عقود مشارکتی در بانکداری فعلی جمهوری اسلامی ایران به طور درست اجرا نمی‌شود؟ آثار عدم اجرای صحیح عقود مشارکتی در اقتصاد ایران چیست؟

فرضیه تحقیق این است که اگر عقود مشارکتی به مفهوم واقعی در چارچوب فقه اسلامی اجرا شود، هماهنگی بین بخش واقعی و مالی اقتصاد برقرار می‌شود. در این زمینه، بین نظام مالی اسلامی با نظام مالی متعارف تفاوت است. در نظام سرمایه‌داری این دو بخش به صورت مجزا و مستقل عمل می‌کنند و جایگاه بانک و مؤسسه‌های مالی مستقل و مجزای از بخش واقعی اقتصاد است و اساس فعالیت نهادهای مالی بر وام‌دهی و وام‌گیری براساس نرخ بهره می‌باشد؛ اما در نظام مالی اسلامی ارتباط بخش حقیقی با بخش مالی اقتصاد وثیق است؛ مسائلی مانند ممنوعیت

معامله چیزهایی که قدرت بر تسلیم یا تسلیم آنها وجود ندارد، ممنوعیت کم‌فروشی، غش، تدلیس، نجش و اختیار فسخ در موارد غبن، بطلان معاملات سفهی همگی دال بر آن می‌باشد. در نظام مالی اسلامی فعالیت و حرکت نهادها و مؤسسه‌های مالی براساس بخش واقعی است. در این تحقیق با اشاره به پیشینه، بررسی تطبیقی مبانی نظام مالی اقتصاد متعارف و اسلامی، آسیب‌شناسی عدم اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی و مزایای نظام مشارکت اسلامی الگو تبیین می‌شود.

پیشینه

تحقیق‌های متنوعی در این زمینه انجام شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود. داودی و صمصامی (۱۳۸۹)، طرح تفکیک بانک‌ها را مطرح کرده‌اند. آنها با هدف هدایت صحیح منابع مالی به سمت سرمایه‌گذاری و تولید، ارتقای کارایی نظام بانکی، برقراری قسط و عدل و حرکت نظام بانکی در جهت تحقق عدالت و تحصیل سود از طریق مشارکت در سرمایه‌گذاری را بررسی کرده‌اند. موسویان (۱۳۸۵) با ذکر اشکالات و انتقادهای قانونی درصدد ارائه راهکار، بانک‌ها را به تجاری، تخصصی و جامع تقسیم کرده است. وی در تحقیق دیگری به همراه جمعی از محققان (۱۳۸۶) با استفاده از تجربه‌های نظام بانکی ایران و دیگر کشورهای اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا را نقد، و برای اصلاح و تکمیل، قانون جایگزین پیشنهاد کرده است. طالبی و کیانی (۱۳۹۱) ضمن بررسی چالش‌های بانکداری بدون ربا معتقدند یکی از چالش‌های اصلی نظام بانکی کشور، عدم تطبیق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌ها با شکل فقهی آن است و ریشه اصلی آن این است که بانک گنجایش عقود مشارکتی را ندارند. بنگ سون چونگ^۱ و مینگ هائولیو^۲ (۲۰۰۹) معتقدند که تأمین مالی اسلامی در مالزی به‌طور غالب مبتنی بر شیوه‌های غیرمشارکتی است و از روح ممنوعیت بهره صرف نظر می‌شود. آنها با ارائه شواهدی نشان داده‌اند که در عمل سپرده‌های اسلامی بدون بهره نیستند. السویلیم (۱۴۱۸-۱۹۹۸م) معتقد است که ماهیت فعالیت بانک اسلامی واسطه‌گری است و رابطه بانک اسلامی باید بر پایه قراردادهای نیابتی مانند وکالت، مضاربه و مشارکت باشد و به بیان تفاوت‌های بانک سنتی با بانک اسلامی پرداخته و آن را با الگوی رایج در بانک‌های اسلامی مقایسه کرده و براین باور است که سودآوری و کارایی الگوی پیشنهادی از سنتی و الگوی شایع در بانک‌های اسلامی بیشتر است.

1. Beng Soon Chong

2. Ming-Hua Liu.

المصری (۱۹۹۸-۵۱۴۱۸م) معتقد است که بانک سنتی براساس قرض ربوی ایجاد و بهره جزء ماهیت آن است و معاملات کالایی از لحاظ قانونی برای آن ممنوع است؛ اما در بانک اسلامی اغلب معاملات غیرانتفاعی است. بانک اسلامی اگر از عقود مدت‌دار استفاده نماید، براساس رابطه دو طرفه خریدار و فروشنده استوار می‌باشد. اگر بانک طرف سوم باشد، از آنجا که نقش آن قرض ربوی می‌شود مشروعیت ندارد و زمانی که بانک اسلامی از نظر شرعی و عقلی در نقش فروشنده کالا باشد، تاجر کالا است. این امر بانک اسلامی را از حوزه اعمال بانکی و ماهیت بانک اصطلاحی خارج می‌نماید.

الجفری (۱۴۲۱-۲۰۰۱م) معتقد است که انواع ابزارهای سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی را از نقش اصلی خود دور کرده و واسطه‌گری یکی از دلایل ناکارآمدی است. اگر بازار سرمایه کارا وجود داشته باشد، نقدینگی لازم در خلال تجارت مهیا می‌شود و نیازی به بانک نیست و نقش بانک تنها ارائه خدمات رایج و نگهداری پول است. در جمع‌بندی می‌توان گفت که در این زمینه پژوهش‌های فراوانی انجام شده که به‌طور عمده به آسیب‌شناسی و علت عدم اجرای عقود مشارکتی در سیستم بانکی، ابزارهای تأمین مالی و بررسی فقهی آنها، مشکلات نظری و عملی بانکداری اسلامی، تفاوت بانک سنتی با بانک اسلامی و نقش بانک پرداخته‌اند و بعضی از آنها نیز الگو ارائه کرده‌اند؛ اما خلأ موجود در پژوهش‌های یادشده این است که به‌طور خاص به طراحی الگوی عملیاتی و مناسب برای نظام مالی اسلامی بر محور مشارکت پرداخته‌اند. به‌طور مسلم ساختار بانک برای اجرای عقود مشارکتی مناسب نیست؛ زیرا برآمده از نظام سرمایه‌داری است که براساس مبانی فکری-فلسفی آن نظام شکل گرفته است. امتیاز پژوهش این است که الگوی مناسب اجرای صحیح عقود مشارکتی را ارائه می‌کند و به هزینه فرصت عدم اجرای عقود مشارکتی برای جامعه اشاره می‌کند.

اصول و مبانی فکری نظام مالی سرمایه‌داری و اسلام

علم اقتصاد رفتار اقتصادی انسان‌ها را بررسی می‌کند. شکل‌گیری رفتارهای افراد مبتنی بر مبانی فکری آنهاست. مبانی نظری و نگرش هر مکتبی به نظام مالی، تعیین‌کننده اهداف اقتصادی و مسیر حرکت آن می‌باشد. تأمین نیاز بنگاه‌های اقتصادی در راستای تحقق پیشرفت اقتصادی و از اهداف نخستین دانش مالی است. به‌دلیل اهمیت مبانی فکری و تأثیر آن در نظریه‌ها، به‌اجمال به مقایسه مبانی فکری-فلسفی مکتب سرمایه‌داری و مکتب اقتصادی اسلام و به تأثیر این مبانی در رفتار اقتصادی انسان‌ها اشاره می‌شود.

معرفت‌شناسی نظام مالی سرمایه‌داری براساس عقلانیت کلاسیکی بر مبنای معرفت متافیزیکی دکارت، تجربه‌گرایی و اخلاق هیوم و الگوی نیوتونی بنا شده است (Little, 1996: 225). در دیدگاه آنها میل انسان تنها عامل انگیزشی و مبنای ارزش است. عقل تابع امیال و ابزار محاسبه‌های لازم برای رسیدن به کارایی است. شناخت اقتصادی منحصر به شناخت حسی و تجربی و مبنای آن جزء‌نگری و عینی‌گرایی است. علم اقتصاد از تدبیر و حکمت عملی جدا و نسبت به ارزش‌ها خنثی است؛ اما در اقتصاد اسلامی رسیدن به شناخت یقینی ممکن است و شک‌گرایی نفی می‌شود (مصباح یزدی: ۱۶۰-۱۶۳). برای شناخت پدیده‌ها استفاده متناسب از همه ابزارهای شناخت لازم است (حسین‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۸). بنابراین شناخت صحیح روش‌ها و الگوهای تأمین مالی اسلامی مستلزم به‌کارگیری متناسب و متعادل تمامی ابزارهای شناخت است. عقل عملی یکی از ابزارهای شناخت و غیر از عقل ابزاری است و معارف و حیانی از اصلی‌ترین منابع مالی اسلامی است (همان).

هستی‌شناسی اقتصاد متعارف بر پایه سکولاریسم، مدرنیسم، دئیسم، خودمحوری و فردگرایی است و براساس قواعد و قوانین مبتنی بر فروض غیرواقعی شکل یافته و الگوها، ابزارها و سیاست‌ها واقعیت نظام مالی را شکل می‌دهند که برآیند آن به صورت نظریه تعادل، عدم مداخله دولت، بی‌معنایی عدالت اجتماعی، نظم خودجوش و سازوکار طبیعی نمود می‌یابد (توکلی، ۱۳۸۹: ۶۵-۹۲). اما اساس هستی‌شناسی اقتصاد اسلامی بر خدامحوری، ربوبیت تکوینی و تشریحی و نظام اسباب و علل است.

حکمت، اراده و جریان سنت‌های الهی بر این است که رشد، رونق، رفاه و پیشرفت اقتصادی جوامع به اعمال شایسته آنها وابسته است و تنگی معیشت، رکود اقتصادی و نبود رونق و وسقوط جوامع و انحطاط تمدن‌ها با عملکرد ناشایست آنها ارتباط وثیق دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۴۲۵). برآیند اینها مسئولیت دولت اسلامی، تأمین اجتماعی مردمی و دولتی است.

انسان‌شناسی اقتصاد متعارف بر پایه اومانیزم است. در این دیدگاه انسان اقتصادی دارای وجود استقلال‌لی و با‌گرایش‌های الف. خودمحوری، لذت‌گرایی و فردگرایی؛ ب. انکار هدفمندی آفرینش و ج. تکلیف‌ستیزی است. فرد ارزش‌های خویش را انتخاب و لذت‌گرایی معیار تصمیم‌گیری است. انسان اقتصادی یک موجود فرضی است که فقط عقل معاش دارد و تنها ویژگی‌های جسمی او مورد توجه و ساحت معنوی او مورد غفلت است (معرفی محمدی، ۱۳۹۳: ۶۶-۷۰). در این تفکر فطرت انسانی، فضایل و رذایل اخلاقی جایگاهی ندارد. آزادی اقتصادی و حداکثرسازی سود و مطلوبیت برآیند آن است.

در اقتصاد اسلامی وجود انسان تبعی و با گرایش‌های متعالی است. انسان موجودی دوساحتی و دارای اختیار و جانشین خدا در زمین است که به صورت گرایش‌های اخلاقی و دینی در عرصه‌های فردی و اجتماعی نمود می‌یابد. مکاتب فکری که تنها به بعد مادی انسان توجه می‌کنند یا تنها به دنبال تأمین خواسته‌های روحی او هستند، نمی‌توانند با نگرش تقریبطی و افراطی خود، برنامه سعادت و حتی رفاه مادی انسان را ارائه نمایند. تنها مکتب اقتصادی اسلام، که برای رشد مادی و معنوی انسان برنامه دارد و درصدد تأمین نیازهای هر دو بعد است، می‌تواند نیازهای انسان را تأمین نماید.

ارزش‌ها ملاک و معیار سنجش افکار، گفتار و کردار انسان است. اساس ارزش‌شناسی نظام مالی متعارف بر نسبییت ارزش‌ها و خودگروی اخلاقی است. نسبییت‌گرایان معتقدند ارزش‌ها امور نسبی و فاقد پشتوانه عقلانی و واقعی هستند و هیچ حقیقت اخلاقی و ارزش مطلق وجود ندارد و همه باورهای اخلاقی تنها در نظام‌های خاص اخلاقی و تابع قراردادهای اجتماعی هستند. مبنای ارزش میل و خواست جامعه است؛ از این رو همه ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها تابع قرارداد هستند. خوب یا بد امر واقعی نیستند، هر کس آنچه را دوست دارد خوب و آنچه با خواسته‌های او سازگار نباشد، بد است.

در این اندیشه منفعت چیزی جز خوشی و لذت و ضرر چیزی جز درد و رنج نیست. بازخورد این مبانی کارکردگرایی و پلورالیسم ارزشی است. در ارزش‌شناسی مکتب اقتصاد اسلامی، ارزش مطلوبیتی انسانی است که از انجام افعال اختیاری او به راهنمایی عقل و به صورت آگاهانه و براساس نیت و انگیزه صحیح در راستای خواست متعالی او حاصل شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۴۲-۵۲). حقیقت و ملاک ارزش‌ها کمالی است که در روح انسان پدید می‌آید و انسان را به قرب الهی راهنمایی می‌کند.

بنابراین، نظام مالی اسلامی بازخورد نظام ارزش‌گذاری متعالی است. اصول موضوعه نظام مالی اسلامی اعم از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی متفاوت با اصول موضوعه نظام مالی در اقتصاد متعارف است. بر همین اساس جایگاه فروض، شیوه‌های نظریه‌پردازی و مدل‌سازی، تبیین، پیش‌بینی و روش آزمون نظریه‌ها نیز متفاوت است. مبانی فکری اسلامی انسان را به رویکردی واقع‌گرایانه در شناخت الگوهای مالی نزدیک و به ارزش‌گذاری واقع‌بینانه فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری واقع‌گرایانه رهنمون می‌کند.

شرکت در اسلام

معنای لغوی شرکت مخلوط و ممزوج شدن اموال است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۴۳؛ اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۱)، اعم از اینکه این امتزاج مشاع باشد و یا اموال در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند.

شرکت نزد اهل لغت و متشرعه یک معنا دارد. تعریف‌های فقها از شرکت نیز بیان همان حقیقت است (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۱۴). عبارت‌های اکثر فقها در تعریف عام شرکت مشابه است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۰۵؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۴۴۲؛ خمینی، تحریر الوسیله، هق، ج ۱: ۶۲۲). اینجا به نقل دو تعریف اکتفا می‌شود: شرکت اجتماع حقوق چند مالک در یک شیء به صورت مشاع است (حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۰۵). شرکت عبارت از این است که یک چیز برای دو نفر یا بیشتر باشد و شرکت در عین، یا دین، یا منفعت و یا در حق است (خمینی، ۱۴۲۲ق: ۸۹۴). منظور فقها این است که حقوق مالکان، در یک چیز جمع شود؛ به گونه‌ای که هیچ یک از آنها به تنهایی نتوانند در آن تصرف کنند.

مشارکت توافقی بین دو یا چند نفر است که براساس آن با اموالشان، به کسب و کار پرداخته و در سود و زیان شریک می‌شوند؛ البته اگر طرفین در میزان مالی که به مشارکت نهاده‌اند مساوی باشند، در سود و زیان نیز به صورت مساوی بهره‌مند یا متضرر می‌شوند و اگر در مقدار مال مختلف باشند، مقدار سود و زیان نیز به تبع میزان مال عاید آنها می‌شود (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۰۰). شرکت عقدی دارای احکامی است: الف. در عقد شرکت بعد از انعقاد قرارداد کل سرمایه به صورت مشاع متعلق به همه شریک‌هاست (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۴۸)؛ ب. تصرف در اموال شرکت براساس توافق در قرارداد است؛ ج. اگر قرارداد شرکت مطلق باشد، براساس مقتضای عقد شرکت سود و زیان به نسبت مال هر یک از شریک‌ها تقسیم می‌شود (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۴۰۳)؛ از این رو اگر سرمایه اعضای شرکت مساوی بود، سود و زیان هم به تبع آن به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۰۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۶۱۹). اما اگر در قرارداد چگونگی تقسیم سود و زیان معین شده باشد، طبق توافق عمل می‌شود.

ویژگی‌های عقود مشارکتی

دانشمندان اسلامی معتقدند روش‌هایی برای استفاده از پس اندازها و سرمایه‌ها در تولید مناسب است که با عدالت اجتماعی و اخلاق اسلامی سازگار باشد. یکی از آن شیوه‌ها استفاده از عقود مشارکتی است که افزون بر جذب منابع مالی در تولید به تسهیل فعالیت‌های تجاری نیز کمک می‌کند. با این الگو امکان تأمین مالی مؤسسه‌های تولیدی و تجاری در بخش‌های صنعت، کشاورزی، بازرگانی و خدمات فراهم می‌شود. عقود مشارکتی روش‌های اسلامی مبتنی بر تأمین مالی هستند که مستلزم فعالیت اقتصادی واقعی و تعهد مسئولیت می‌باشند. مشارکت در سود و زیان با روش‌های سهام‌شدن در ریسک اساس مالی اسلامی را تشکیل می‌دهد و از مطلوب‌ترین

روش‌ها نزد اکثر فقیهان و کارشناسان مالی اسلامی می‌باشد (ایوب، ۱۳۹۲: ۵۰۷). عقود مشارکتی در شریعت اسلامی ویژگی‌هایی دارند که عبارت است از:

الف. ریسکی بودن؛ ب. متغیر بودن نرخ سود؛ در قراردادهای مشارکتی ممکن است ابتدای قرارداد، نرخ سود انتظاری برآورد شود؛ اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌شود؛ ج. وجود اذن و اعتماد طرفین: در این نوع قراردادها سرمایه‌ای که از طرف مؤسسه سرمایه‌گذاری در اختیار متقاضی منابع مالی قرار می‌گیرد، ملک او نمی‌شود. مؤسسه تنها به او اذن تصرف می‌دهد. متقاضی می‌تواند در دایره اذن مؤسسه سرمایه‌گذاری، منابع را در فعالیت اقتصادی استفاده کند و رابطه مالی مؤسسه با مشتری، رابطه صاحب سرمایه با عامل یا رابطه دو شریک است؛

د. انتظار انتفاعی بودن: ماهیت این نوع قراردادها مانند قراردادهای مبادله‌ای انتفاعی است؛ با این تفاوت که در قراردادهای مبادله‌ای تحقق انتفاع حتمی می‌باشد؛ اما در قراردادهای مشارکتی انتفاع انتظاری است؛ و کنترل و نظارت: افزون بر مسئولیت احراز صحت اصل قرارداد، مؤسسه سرمایه‌گذاری می‌تواند اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای پروژه بر کیفیت به کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حقوق مؤسسه و سپرده‌گذاران دفاع کند (محقق‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۸-۵۹).

اگر مشارکت در سود و زیان در نظام مالی اسلامی درست اجرا شود، تخصیص بهینه منابع صورت می‌پذیرد؛ زیرا براساس این عقود بازگشت سرمایه به تولید وابسته است، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه میزان اشتغال افزایش می‌یابد، مشکل سفته‌بازی و احتکار حل می‌شود و اهداف اقتصاد اسلامی محقق می‌شود. بنابراین، در عقود مشارکتی، صاحب مال، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند و در پایان دوره فعالیت، مطابق قراردادی که بین عامل و صاحب‌کار اقتصادی، منعقد شده سود حاصل از این فعالیت تقسیم می‌شود. از جمله مزایای نظام مشارکت، تطابق با عدل و قسط (موسویان، ۱۳۷۶: ۱۰۶-۱۲۰)، توزیع عادلانه درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش نااطمینانی، افزایش تولید، ارتقاء سطح اشتغال، کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، ثبات بیشتر اقتصادی و ارتقاء سطح عمومی رفاه می‌باشد (غفاری، ۱۳۸۶: ۲۴۶-۲۵۰).

ظرفیت عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی

در نظام مالی اسلامی عقود مشارکتی تنوع خوبی دارند و ظرفیت پاسخ‌گویی به طیف وسیعی از انگیزه‌ها و سلاقی را دارند و از نظر اقتصادی هم ابزار مناسبی برای هدایت نقدینگی به بخش واقعی

اقتصاد هستند و اگر با الگوی‌های مناسب اجرایی همراه شوند می‌توانند اطمینان عوامل اقتصادی به نظام تأمین مالی اسلامی را ارتقاء بخشند.

جدول ۱. مقایسه مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی با بانک‌های نظام سرمایه‌داری

مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در مالی اسلامی	بانک‌های نظام سرمایه‌داری
۱ ارتباط وثیق بخش واقعی و مالی اقتصاد	جدایی بخش مالی از بخش واقعی اقتصاد
۲ تسهیل و رشد متوازن بخش واقعی و مالی اقتصاد	تسهیل در رشد بخش مالی با قطع نظر از بخش واقعی
۳ نظارت و کنترل دقیق بر مشارکت در سود و زیان	عدم نظارت و کنترل بر روند سرمایه‌گذاری‌ها
۴ شفافیت مالی در بخش تجهیز و تخصیص منابع	عدم شفافیت در بخش تجهیز و تخصیص منابع
۵ توزیع ریسک و تأثیر حداقلی از نوسانات اقتصادی	عدم توزیع ریسک و تأثیر نوسانات اقتصادی
۶ احتیاط در پرداخت وام‌ها و انتخاب طرح‌ها	پرداخت وام‌های ریسکی و عدم انتخاب پروژه‌ها
۷ سرمایه‌گذاری در دارایی‌های با پشتوانه	سرمایه‌گذاری با عدم توجه به پشتوانه
۸ توجه بیشتر به برآورد ریسک فعالیت‌ها	عدم توجه به تخمین ریسک فعالیت‌ها

با گذشت سالیان متمادی از تصویب قانون بانکداری بدون ربا، بانک‌های اسلامی عملکرد موفق‌تری در اجرای عقود مشارکتی نداشته‌اند. عدم اجرای صحیح عقود مشارکتی در بانک‌های اسلامی هزینه فرصت و خسارت‌های اقتصادی بر جامعه تحمیل کرده است و موجب عدم اطمینان عمومی به سیستم بانکی و نظام مالی اسلامی شده است. از سوی دیگر بانک‌ها با منابع تجهیزاتی اقدام به وام‌دهی می‌کنند که در این فرایند بیشتر منابع تبدیل به قرض می‌شود که پیامد خلق پول توسط نظام بانکی را به دنبال دارد.

در این شیوه نامطلوب تسهیلات بیشتر در بخش اعتباری و غیرمولد اقتصاد جریان یافته و وارد بازارهای ارز، طلا، سکه، دلالتی و... می‌شود که هزینه‌های آن به صورت تورم، جابجایی ناعادلانه درآمدها، نوسانات و رکود اقتصادی و نااطمینانی جامعه به تأمین مالی اسلامی ظاهر می‌شود. این جریان تا زمانی که ساختارهای مالی متعارف به ساختارهای مالی اسلامی تبدیل نشود و الگوی مطلوب اجرایی متناسب عقود مشارکتی طراحی نشده و نهاد اجرایی آن معین نشود، ادامه می‌یابد. درحالی‌که مالی اسلامی با توجه به ویژگی‌های یادشده می‌تواند باعث ثبات اقتصادی باشد و بسیاری از تکانه‌های معمول اقتصادی را نداشته باشد؛ اما به دلایل متعدد جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. از جمله مهم‌ترین دلایل مشکل ساختاری است. بانک در نظام بانکداری ربوی نقش واسطه‌ای دارد و وجوه مازاد عرضه‌کنندگان را دریافت و تجمیع نموده و در قالب قرارداد قرض با بهره به متقاضیان وجوه می‌رساند؛ ازاین‌رو ماهیت، ساختار و وظایف بانک‌ها در اقتصاد متعارف بر اعطای وام با بهره تعریف شده است. بانک سنتی براساس قرض ربوی ایجاد و بهره جزء

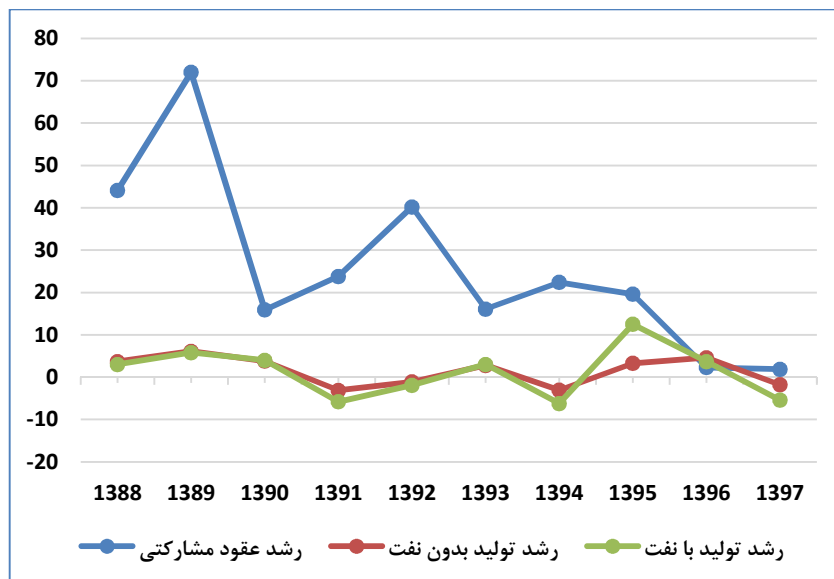
ماهیت آن است (المصری، ۱۴۱۸هـ-۱۹۹۸م: ۶۱-۶۷)؛ درحالی که از نظر اسلام چنین قراردادی ممنوع می باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون بانکداری بدون ربا همین ساختار اخذ شده است. چنین ساختاری برای انجام وظایف و فعالیت در بخش واقعی اقتصاد مناسب نیست. بررسی آمار سیستم بانکی از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۷ (جدول ۲) نشان از آن است که تسهیلات پرداخت شده در این دوره معین به طور میانگین ۴۵/۵ درصد، اما نرخ رشد اقتصادی کمتر از ۲ درصد بوده است؛ یعنی رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد (نمودار ۱).^۱ این امر بیانگر این است که این تسهیلات وارد بخش حقیقی اقتصاد نشده که نشان از ناکارآمدی این سیستم می باشد. عمده ترین دلیل آن، نبود ساختار مناسب است.

جدول ۲: تسهیلات عقود مشارکتی و رشد اقتصادی

سال	درصد تسهیلات عقود مشارکتی	رشد عقود مشارکتی	رشد تولید بی نفت	رشد تولید با نفت
۱۳۸۸	۰/۳۴۸	۴۴/۱	۳/۷	۳
۱۳۸۹	۰/۴۴	۷۲	۶/۱	۵/۸
۱۳۹۰	۰/۴۳	۱۵/۹	۳/۸	۴
۱۳۹۱	۰/۴۵	۲۳/۸	-۳/۱	-۵/۸
۱۳۹۲	۰/۴۶	۴۰/۲	-۱/۱	-۱/۹
۱۳۹۳	۰/۴۸	۱۶/۱	۲/۸	۳
۱۳۹۴	۰/۵	۲۲/۴	-۳/۰۵	-۶/۲
۱۳۹۵	۰/۴۹	۱۹/۶	۳/۳	۱۲/۵
۱۳۹۶	۰/۴۳	۲/۳	۴/۶	۳/۷
۱۳۹۷	۰/۲۷۵	۱/۹	-۱/۸	-۵/۴
	بین رشد تولید بدون نفت و رشد عقود مشارکتی	بین رشد تولید با نفت و رشد عقود مشارکتی		
همبستگی	۰/۳۰۵۵۵۵۴۳		۰/۱۹۴۶۹۲۱۲	
ضریب همبستگی (درصد)	۳۰/۶		۱۹/۵	

۱. بانک م.ج.ا.ا. اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی-دایره آمارهای پولی، تسهیلات اعطایی بانک ها و مؤسسه های اعتباری به تفکیک عقود اسلامی، ش ۶۳، ص ۸؛ همان، ۱۳۸۹، ش ۶۳، ص ۱؛ همان، ۱۳۹۱، ش ۷۱، ص ۱؛ همان، ۱۳۹۰، ش ۶۷، ص ۱؛ همان، ۱۳۹۶، ش ۹۱، و...).



نمودار ۱: عدم تناسب تسهیلات عقود مشارکتی با رشد

اصول و ویژگی‌های مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری تأسیسی

۱. ایجاد عدالت به‌ویژه از طریق کاستن از جریان خلق پول و کنترل آن؛
۲. جدا کردن این عقود از بانک‌ها و کاستن از فعالیت‌های بنگاه‌داری و کارایی آنها در امور بانکی؛
۳. سودآور بودن مؤسسات سرمایه‌گذاری جدید؛
۴. انجام نقش واسطه‌گری به نحو تخصصی و همراه با کارایی؛
۵. رشد و توسعه اقتصاد ملی (ورود تسهیلات به بخش واقعی، نظارت‌های دقیق و عدم انحراف از تولید)؛
۶. تقویت جایگاه بانک مرکزی در اعمال سیاست‌های پولی و نظارت بهتر بر این مؤسسه‌ها و سیستم بانکی؛
۷. عدم ورود هرگونه شوک بر اقتصاد؛
۸. مطابقت با فقه اسلامی؛
۹. شفافیت، معین بودن و دقت در پرداخت تسهیلات؛
۱۰. این مؤسسه‌ها تنها واسطه و جوه هستند و در قبال آن کارمزد دریافت می‌کنند و وکیل سرمایه‌گذاران نیستند (این کار توسط شخصیت حقوقی دیگری انجام می‌شود)؛
۱۱. جامع‌نگری و فراگیری در تخصیص جوه: در زمینه برطرف کردن نیازهای مالی همه بخش‌های اقتصادی اعم از صنعت، کشاورزی، خدماتی و تجاری جامع و فراگیر عمل می‌کنند.

در بخش‌های پیشین مبانی و اصول مشارکت در اسلام مطرح شد. عمده این مباحث گزاره‌های مبنایی و قضایی هستند که در الگو نقش گزاره‌های زیربنایی را ایفا می‌کنند. این گزاره‌ها عبارت‌اند از: الف. نظام اقتصاد اسلامی برگرفته از آموزه‌های اسلام کارا و عدالت‌محور است؛ ب. تدوین الگوی مطلوب مالی اسلامی براساس مبانی، اصول و ضوابط فقه اسلامی برای جریان صحیح اموال بین همه بخش‌های اقتصادی ضروری است؛ ج. حفظ و تأمین مصالح عمومی، برقراری عدالت از جمله اصول مجوز دخالت دولت در اقتصاد است؛ د. تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و تدوین اصول و مبانی آن، لازم است همراه با ارائه الگوی اجرایی مناسب و راهبردهای کلان مطابق با پیشرفت‌های صنعت مالی باشد.

از سوی دیگر، از آنجاکه استقلال کشور، حفظ امنیت، رفع فقر، بی‌عدالتی، پیشبرد اهداف پیشرفت و تعالی انسانی، ضرورت تشکیل دولت و به تبع آن قدرت و توان اقتصادی جامعه اسلامی را ثابت می‌کند، الگوی مطلوب تأمین مالی اسلامی ضروری است.

و. تمامی اهدافی که نقشه راه نظام اقتصادی اسلام است، از اهداف عملیاتی در سطوح پایین شروع و به اهداف عالی و در بالاترین سطح به هدف غایی ختم می‌شود. عدالت، رفاه، پیشرفت و توسعه از اهداف عالی می‌باشند. هدف از برنامه تأمین مالی اسلامی تخصیص بهینه منابع اقتصادی است. رفاه عمومی، امنیت، رشد اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی از اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام است. الگوی پیشنهادی شرایط، بستر و راه‌حل اجرایی آن به‌گونه‌ای است که ویژگی‌های اساسی زیر را تأمین می‌کند و با توجه به اصول موضوعه یادشده و روش‌های تأمین مالی در فقه اسلامی الگوی اجرای عقود مشارکتی و ویژگی‌های مشروعیت، عدالت‌محوری، کارایی، ثبات‌بخشی، بازدهی بیشتر، تنوع در ابزارهای مالی، شفافیت و سادگی را تأمین می‌کند.

الگوی اجرایی عقود مشارکتی

در نظام اقتصاد اسلامی به منظور تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، رونق‌بخشی به تولید، کسب و کار و برحسب اقتضا و نیازهای متنوع زمانی، مکانی و پاسخ به سلیقه‌های مختلف، عقود متنوعی مورد امضاء شارع قرار گرفته است که از جمله آنها عقود مشارکتی می‌باشد. در بخش‌های پیشین مبانی و اصول مشارکت در اسلام مطرح شد.

گفتنی است که در تدوین و ارائه الگو با دیدگاه کل‌نگر امور اجتماعی ملاحظه می‌شود و با توجه به انسان در مکتب اقتصادی اسلام، مصالح جامعه و اصول اقتصادی حاکم بر مالی اسلامی، اهداف و ویژگی‌های الگوی یادشده تدوین شده است. طراحی الگو برای مشارکت واقعی در بخش

حقیقی اقتصاد است که این مسئله به نظام‌سازی کمک می‌کند. نظام‌سازی باید با توجه به شرایط عمومی صحت عقود مشارکتی - مشارکت در سود و زیان، ممنوعیت اکل مال به باطل، ضرر و ضرار، غرر، ربا، احتکار، فعالیت‌های نامشروع - باشد.

الگو افزون بر ویژگی‌های یادشده، از منظر اقتصاد کلان نیز باید اهداف استقلال اقتصادی، عدم سلطه‌پذیری کشور اسلامی، رعایت مصالح کلی نظام و جامعه اسلامی را تأمین نماید. بعضی از ویژگی‌های یادشده ممکن است در دیگر نظام‌های مالی نیز وجود داشته باشد. وجود ویژگی‌های مشترک در ابعاد علمی و عملی به دلیل این است که اسلام مکتبسی هماهنگ و سازگار با فطرت انسان است. این ویژگی‌ها در دو بخش محتوایی و ساختاری تبیین می‌شود.

در بخش محتوایی هماهنگی با اهداف عالی نظام اقتصاد اسلامی و در راستای ایجاد اشتغال پایدار و رونق‌بخشی تولید و فقرزدایی و کاهش‌دهنده فاصله طبقاتی و هماهنگی با رشد و پیشرفت مادی و معنوی جامعه و هماهنگی با اهداف و انگیزه‌های تولید در اسلام باشد تا در چارچوب اخلاق اسلامی عدالت اجتماعی را تأمین نماید. از نظر ساختاری نیز الگوی یادشده با برنامه‌ها و اسناد بالادستی نظام اسلامی مطابقت داشته باشد و اهداف اقتصاد اسلامی را تأمین نماید.

در مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری، این الگو، امکان انتقال منابع در اقتصاد با ابزارهای متنوع مالی اسلامی به افرادی فراهم می‌شود که دارای توانایی و دانش فنی هستند و متقاضی حضور فعال در عرصه اقتصاد می‌باشند، اما منابع مالی لازم را در اختیار ندارند. به‌دیگرسخن، در این الگو مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری نقش واسطه‌گری دارند و وظیفه اصلی آنها انتقال وجوه است و منابع مازاد در اقتصاد را با ابزارهای مالی اسلامی به افرادی منتقل می‌کنند که دارای توانایی، تخصص، مهارت و دانش فنی هستند. همچنین، منابع مالی لازم را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی کوچک، متوسط و بزرگ جمع‌آوری می‌کنند. امور مربوط به تمامی فعالیت‌های مشارکتی از بانک‌های فعلی جدا و به این مؤسسه‌ها منتقل می‌شود.

این مؤسسه‌ها از اختیارات و توانایی‌های دیگری مانند انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی نیز برخوردارند و خدمات متنوعی از جمله پذیره‌نویسی و تعهد خرید اوراق بهادار از قبیل اوراق مشارکت و سهام را به‌عنوان واسطه میان انتشار دهنده اوراق و سرمایه‌گذاران ارائه داده و در حوزه‌هایی مانند ادغام و تملیک و نیز ساختاردهی مجدد شرکت‌ها و همچنین فعالیت‌های کارگزاری برای مشتریان نهادی به فعالیت می‌پردازند.

این مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در واقع فعالیت مالی غیربانکی انجام می‌دهند و دارای ساختار رسمی خواهند شد که می‌توانند در فعالیت‌های مالی مرتبط به صورت تخصصی عمل کنند و با

مدیریت بازار اطلاعات در چارچوب نهادهای قانونی با حمایت از تولید و توزیع اطلاعاتی اقدام می‌کنند که برای سرمایه‌گذاران مهم است. وظیفه اصلی این مؤسسه‌ها پاسخ به تقاضاهای سرمایه‌گذاری مشتریان و کارآفرینان است که به‌عنوان واسطه منابع مالی لازم را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری از طریق پذیره‌نویسی، فروش سهام، سپرده‌های خاص و انتشار اوراق جمع‌آوری می‌کنند. این الگو معیارهای تأمین مالی اسلامی را برآورده و منابع مالی را جذب بخش واقعی کرده و تعادل بخش پولی و واقعی اقتصاد را برقرار می‌کند.

لزوم حرکت از وضع موجود به مطلوب

با توجه به مباحث یادشده، شرایط موجود نظام بانکی (جدول ۲/ نمودار ۱) در دوره زمانی ده ساله میانگین تسهیلات پرداختی عقود مشارکتی ۴۵/۵ درصد بوده است؛ در حالی که میانگین نرخ رشد اقتصادی در همین دوره کمتر از ۲ درصد است؛ یعنی تسهیلاتی که برای جذب در بخش واقعی اقتصاد با ابزار عقود مشارکتی با نرخ‌های متغیر پرداخت شده در عمل اهداف اقتصاد اسلامی را محقق نکرده است؛ از این رو نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران برخلاف نظام تأمین مالی اسلامی که بر مبنای مشارکت در سود و زیان استوار است به سمت نرخ‌های بازدهی ثابت حرکت کرده است که برخلاف مقتضای عقود مشارکتی است.

از طرف دیگر در عقود مشارکتی با استدلال‌های ریسک، مشارکت حقیقی در سود و زیان، تمام ریسک به عامل منتقل شده و با قیود مختلف به نفع بانک و بدون توجه به هر گونه زیان، سود بانک تضمین شده است و نرخ ثابت بالاتری از مشتریان دریافت شده که هزینه‌های فراوان بر تولید تحمیل کرده است. در واقع از ابزار عقود مشارکتی به‌عنوان پوششی برای دریافت ربا استفاده شده است.

نحوه و قابلیت اجرایی الگو

در این الگو کل تسهیلات و منابع مربوط به عقود مشارکتی از نظام بانکی جدا و به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری سپرده می‌شود. این مؤسسه‌ها به منظور اجتناب از استفاده تسهیلات در مصارف سفته‌بازی و غیرتولیدی، تأمین مالی بر مبنای احکام اسلامی، کارایی، سلامت و شفافیت اقتصادی باید از تعداد شعب کافی و نیروی انسانی متخصص و متعهد برای نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال مشارکت واقعی در سود و زیان برخوردار باشند تا بتوانند طرح‌نامه‌های تولیدی را بررسی و ارزیابی نمایند و از هنگام پرداخت اولین قسط تا پایان دوره مشارکت و تسویه حساب نظارت مؤثر اعمال نمایند. در این صورت با افزایش سرمایه‌گذاری و تولید، جامعه به سمت عدالت اقتصادی سوق داده می‌شود.

نحوه تأمین نیازها و تقاضاهای فعلی در الگو

ابتدا باید نیازهای تسهیلاتی فعالان بالقوه و بالفعل، بنگاه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی شناسایی شود. این نیازها در دو گروه اقتصادی طبقه‌بندی می‌شود: ۱. ایجاد سرمایه و راه‌اندازی؛ ۲. جریان تولید و سرمایه در گردش. در این دسته‌بندی نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی احصاء و پاسخگویی به آنها یکی از الزامات الگو است. جدول ۳ بیانگر نیازهای تسهیلاتی تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی است.

جدول ۳. تأمین نیازها و تقاضای الگو

بخش	صنعتی	کشاورزی	خدماتی، تجاری و بازرگانی
۱. ایجاد سرمایه و راه‌اندازی	خرید و آماده‌سازی زمین	تهیه زمین	محل کسب و کار
	تأسیسات و ساختمان	ابزار تولید	خرید و مجوز
	ماشین‌آلات و ابزار تولید	حفر و احداث چاه، ابزار آبیاری	تجهیزات و تأسیسات
	خرید مجوزها و دانش فنی	آماده‌سازی، خرید و نصب تجهیزات آبیاری نوین	تهیه نرم‌افزار
	هزینه‌های آموزشی و...	هزینه‌های آموزشی و...	هزینه‌های آموزشی و...
	با اولویت مراکز علم و فن آوری و دانش‌بنیان	با اولویت مراکز علم و فن آوری و دانش‌بنیان	با اولویت مراکز علم و فن آوری و دانش‌بنیان
۲. جریان تولید و سرمایه‌در گردش	نهادها و مواد اولیه داخلی	آماده‌سازی زمین و باغات	هزینه ریالی تهیه مال التجاره
	نهادها و مواد اولیه خارجی	تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات کشاورزی	هزینه ارزی تهیه مال التجاره
	ابزار تولیدی مصرفی	برداشت و انبار محصولات	تأمین سرمایه برای فروش نسبه
	تعمیر و نگهداری	نهادهای تولید کشاورزی	تعمیر
	تأمین سرمایه برای فروش نسبه	تأمین سرمایه برای فروش نسبه	گسترش کسب و کار
	راه‌اندازی واحدهای تولیدی راکد		خرید سهام
	جلوگیری از توقف کارگاه‌های موجود		
	با اولویت مراکز دانش‌بنیان	با اولویت مراکز دانش‌بنیان	با اولویت مراکز دانش‌بنیان

در وضع موجود، نظام بانکی این نیازها را براساس عقود اسلامی و به صورت ناقص تأمین می‌کند. در الگوی پیشنهادی به‌طورکلی عقود مشارکتی از نظام بانکی جدا و به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری سپرده می‌شود و این مؤسسه‌ها با شناسایی دقیق همه نیازهای مالی یادشده آنها را به‌طور درست و کامل تأمین می‌کنند.

مراحل و زمان‌بندی اجرای الگو و تحول ساختاری نظام مالی

اجرائی نمودن الگو، در مرحله نخست نیازمند اعتقاد به اصلاح ساختاری نظام مالی کشور است. در مرحله دوم، نیازمند یک برنامه عملیاتی و اجرایی در زمان‌بندی مناسب است. در مرحله انتقال از وضعیت موجود به مطلوب فعالیت‌های خدمت‌رسانی به تولید مختل نمی‌شود؛ یعنی الگو باید به تدریج با اجرای زمان‌بندی زیر در یک دوره زمانی حداکثر پنج ساله و در چهار مرحله اجراء شود.

مرحله اول: تشکیل ستاد اجرایی و نظارتی برای تأسیس مؤسسه‌های موجود در الگو و تحول نظام مالی

از آنجاکه اجرای الگو نیازمند اختیارات قانونی دستگاه‌های اجرایی ذیربط است، برای تسهیل در اجرا لازم است دستگاه‌های متولی (بانک مرکزی، مجمع عمومی بانک‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی ذیربط) معین شده و در یک ستاد گرد هم آیند. این ستاد اجرایی و نظارتی با حکم ریاست جمهور تشکیل می‌شود. این ستاد افزون‌بر داشتن اختیارات لازم از هیئت دولت برای تصویب آیین‌نامه‌ها و مصوبات (با استناد به اصول ۱۲۷ و ۱۳۸ قانون اساسی) لازم است با ترکیب اعضای تمامی متولیان مربوطه مانند رئیس کل بانک مرکزی و... تشکیل شود تا امکان تأسیس، تعیین ساختار و اصلاحات لازم الگو فراهم شود.

جدول ۴. تشکیل ستاد اجرایی

مراحل	اقدامات	شرح	زمان
مرحله ۱	تشکیل ستاد اجرایی و نظارتی تأسیس مؤسسه‌های الگو با حکم ریاست جمهور	تشکیل ستاد تأسیس مؤسسه‌ها با ترکیب متولیان مربوطه، تا امکان تأسیس و هرگونه اصلاح ساختار نظام مالی مؤسسه‌ها باشد	پس از تأیید نهایی طرح تشکیل می‌شود

مرحله دوم: تفکیک عقود مشارکتی از بانک‌ها و سپردن آنها به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری شامل زمان‌بندی و اقدامات لازم برای پیاده‌سازی الگو است. این مرحله با جداسازی عقود مشارکتی از نظام بانکی و سپردن به مؤسسه‌های موجود در الگو، سرمایه‌گذاری‌ها شروع می‌شود. آیین‌نامه‌های مربوط به این مؤسسه‌های مالی و نحوه فعالیت آنها حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از تشکیل ستاد اجرایی نهایی می‌شود. اقداماتی که در این مرحله انجام می‌شود عبارت است از:

الف. توزیع مناسب جغرافیایی شعب

مطالعه جامعی درباره توزیع جغرافیایی شعب مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در الگو براساس نیازهای مالی مناطق مختلف انجام می‌شود و سپس شعب هر منطقه مستقر و با هماهنگی‌های قانونی این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها از نظام بانکی جدا و به این مؤسسه‌ها سپرده می‌شود. از آنجاکه الگوی اجرایی با ایجاد مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در مرحله گذر قرار دارد نیازمند آیین‌نامه‌ها و قوانین است:

- بعضی آیین‌نامه‌های لازم برای تشکیل مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری؛
- آیین‌نامه این مؤسسه‌ها و ضوابط تشکیل آنها؛
- آیین‌نامه روش‌های تجهیز منابع شامل انتشار و فروش اوراق و ابزار مالی اسلامی، پذیره‌نویسی، گواهی سپرده خاص و فروش سهام؛
- آیین‌نامه شرایط شرکت‌ها برای استفاده از روش‌های تجهیز؛
- آیین‌نامه تبدیل سپرده‌های سرمایه‌گذاری به اوراق (انواع اوراق مشارکت مالی اسلامی)؛
- آیین‌نامه انتقال سپرده‌ها و تعهدات مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری؛
- آیین‌نامه انحصار افتتاح حساب‌های سپرده مدت‌دار در مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری.

ب. واگذاری عملیات عقود مشارکتی از بانک به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری

این مرحله با تغییر در فعالیت‌های نظام بانکی آغاز می‌شود (بخشی از نظام بانکی تغییر می‌کند تا براساس اصول موضوعه اهداف تأمین مالی اسلامی محقق شود). تمامی عقود مشارکتی و تمام سپرده‌هایی که به این منظور جذب شده است از نظام بانکی جدا و به مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری سپرده می‌شود - سپرده‌هایی که از تاریخ شروع فعالیت این مؤسسه‌ها جذب می‌شوند، سپرده‌های سابق تا انقضای دوره خود در بانک‌ها باقی می‌مانند - (در رابطه با تبدیل سپرده‌ها به اوراق، اختیار با صاحبان سپرده‌هاست که وجوه خود را دریافت نموده و یا انتقال دهند و سپرده‌های آنان تبدیل به اوراق شود).

ج. مرحله تجهیز و جذب سرمایه توسط مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری

مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در این مرحله در محدوده زمانی شش ماهه باید تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌گذاری را در قالب عقود مشارکتی در مجموعه‌های خود سامان دهند. با این اقدام به طور رسمی کار خود را آغاز نموده و جداسازی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از بانک‌ها به این مؤسسه‌ها در عمل اجرا می‌شود.

مرحله سوم: تفکیک کامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مربوطه از نظام بانکی و استقرار این مؤسسه‌ها

در این مرحله طی زمان‌بندی مناسب اقدامات لازم برای پیاده‌سازی الگو انجام می‌شود و نظام بانکی از پذیرش سپرده‌های سرمایه‌گذاری در قالب عقود مشارکتی به‌طور کامل منع می‌شود.

جدول ۵. تفکیک سپرده‌ها و فعالیت‌های نظام بانکی و استقرار مؤسسات پیشنهادی

شرح	اقدامات کلی	اقدامات جزئی	آیین‌نامه‌های لازم	زمان تدوین آیین‌نامه	زمان اجرای اقدامات
مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری	زمینه‌سازی برای جایگزینی سپرده‌های مدت‌دار با نرخ‌های علی‌الحساب با روش‌های تجهیز منابع	۱. هدایت سپرده‌های کلان به تسهیلات کلان؛ ۲. گسترش شرکت‌ها و مؤسسه‌های حسابرسی برای نظارت و بررسی سود و زیان واقعی شرکت‌ها؛ ۳. گسترش شرکت‌های مشاوره‌ای و نظارت در اجرا	۱. آیین‌نامه زمان‌بندی ممنوعیت جذب و اعطای سپرده‌ها و تسهیلات کلان و منع بانک‌ها از قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار؛ ۲. آیین‌نامه اصلاح صورت‌های مالی و نحوه حسابرسی شرکت‌های متقاضی در مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری	پنج ماه پس از تصویب نهایی طرح	تا دو سال پس از مرحله دوم
ایجاد شورای شرعی در مسائل پولی		شورای متشکل از فقها و متخصصین پولی و بانکی	آیین‌نامه ایجاد شورای شرعی در مسائل پولی	سه ماه پس از تصویب طرح نهایی	از زمان تصویب آیین‌نامه
تعیین ضوابط بیمه و تضمین اوراق و همچنین تعیین نحوه همکاری مؤسسه‌های بیمه، حسابرسی، مشاوره و نظارت با مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری		پوشش ریسک و افزایش ضریب اطمینان شرکت‌ها و فعالیت‌های مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری	۱. آیین‌نامه بیمه و تضمین اوراق ۲. آیین‌نامه تعیین چارچوب‌های مشترک همکاری مؤسسه‌های حسابرسی و مشاوره و نظارت بر مؤسسات سرمایه‌گذاری	پنج ماه پس از تصویب طرح نهایی	تا دو سال پس از مرحله دوم

ایجاد نهادهای جدید و اتصال شبکه‌های مختلف سازمان‌ها و نهادهایی نظیر بیمه، مالیات، بانک، بورس و اوراق بهادار، حسابرسی، ثبت اسناد و شرکت‌ها و سایر نهادهای مرتبط از این مرحله آغاز شده و زمینه را برای سلامت نظام اقتصادی مهیا می‌کند. ایجاد شورای تخصصی و شرعی در مسائل پولی، اقتصادی و فقهی برای منحرف نشدن الگو از وظایف خود ضروری است. این شورا حداکثر پس از سه ماه از تصویب طرح شکل می‌گیرد و نقش مهمی در ابزارهای تأمین مالی اسلامی و اوراق مختلف دارد. ضوابط جذب سپرده‌ها و پرداخت تسهیلات به صورت درست و مشخص باید تدوین شود. شناسایی کامل مشتریان، تکمیل بانک جامع اطلاعاتی از اقدامات ضروری دیگر در این مرحله است.

مرحله چهارم: تکمیل فرایند اجرا و استقرار کامل الگو

حدود یک سال و نیم طول می کشد تا این مؤسسه‌ها تأسیس شوند و تحولات مالی و اعتباری بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و اعتباری انجام شود. لازم است اصلاحات دیگری در بخش‌های مختلف اقتصاد مانند بیمه، بورس و اوراق بهادار و... انجام شود. در این مرحله با تکمیل و انجام این اصلاحات زمینه برای فعالیت این مؤسسه‌ها در چارچوب و مقررات جدید فراهم می شود. همچنین با توجه به تحولات ساختاری و تفکیک فعالیت‌های سرمایه‌گذاری از بازار پول، حوزه نظارت و دخالت بانک مرکزی تغییر می کند که نیازمند بازتعریف وظایف، اختیارات ساختار و سیاست‌های بانک مرکزی است. این اقدامات نیز همگام با پیشبرد طرح و در فرایند اجرای آن، تکمیل و عملیاتی می شود.

جدول ۶. مرحله ۴

اقدامات کلی	اقدامات جزئی	آیین‌نامه‌های لازم	زمان تدوین آیین‌نامه	زمان اجرای اقدامات
استقرار مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری و آغاز فعالیت	انجام اقدامات لازم و تکمیلی مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری	نحوه فعالیت و نظارت مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۱/۵ سال و پس از مرحله سوم
اعمال قوانین مشابه برای بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری و سرمایه‌گذاری	الزام بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی و اعتباری به فعالیت در چارچوب الگو	تدوین آیین‌نامه‌های جدید برای تشکیل و فعالیت بانک‌های خصوصی و الزام این مؤسسه‌ها به فعالیت در چارچوب جدید	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۱/۵ سال و پس از مرحله سوم
اصلاحات لازم در صنعت بیمه	اصلاحات لازم در صنعت بیمه به منظور بیمه اصل اوراق اسلامی	آیین‌نامه بیمه و جبران خسارت سرمایه‌گذاری در اوراق در صورت تخلف و سوء استفاده شرکت‌ها	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۶ ماه پس از تصویب آیین‌نامه
اصلاحات لازم در سازمان بورس و اوراق بهادار	اصلاحات لازم در سازمان بورس و اوراق بهادار به منظور تقویت و ایجاد بازار ثانویه و راهکارهای آسان افزایش سرمایه شرکت‌ها	آیین‌نامه‌های نحوه ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها و استانداردهای حسابداری شرکت‌های ناشر اوراق و مراجعه‌کننده به شرکت فراهم‌سازی سرمایه	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۶ ماه پس از تصویب آیین‌نامه
اصلاحات لازم در ساختار و سیاست‌های بانک مرکزی	اصلاحات لازم در ساختار و سیاست‌های بانک مرکزی به منظور اعمال سیاست‌های پولی و مالی	آیین‌نامه اصلاح نظام نظارتی و کنترلی بانک مرکزی بر بانک‌ها و بازار غیر متشکل پولی	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۶ ماه پس از تصویب آیین‌نامه
		آیین‌نامه چارچوب و ابزارهای سیاست پولی	۷ ماه پس از تصویب نهایی طرح	۶ ماه پس از تصویب آیین‌نامه

تکمیل فرایند اجرا و استقرار کامل مؤسسات سرمایه‌گذاری

نتیجه‌گیری

نظام تأمین مالی متشکل از نهادها، ابزارها و بازارهای مالی است. این نظام زیرمجموعه اقتصاد اسلامی می‌باشد که با داشتن روابط نظام‌مند و تعاملی، وظیفه انتقال وجوه از واحدهای اقتصادی دارای مازاد منابع به واحدهای دچار کمبود منابع در چارچوب اصول و قوانین اسلامی را بر عهده دارد. این نقل و انتقال باید به کمک ابزارهای مالی اسلامی انجام شود. از جمله آن ابزارها عقود مشارکتی است. ویژگی عقود مشارکتی این است که اگر درست انجام شود، ارتباط بخش واقعی و مالی اقتصاد را برقرار می‌کند؛ اما نبود ساختار مناسب باعث عدم تحقق این هدف شده است؛ از این رو برای اجرای درست عقود مشارکتی نیاز به الگوی مناسب است؛ الگوی اجرایی مطلوب که در چارچوب شریعت، ساده و قابل اجرا باشد و اهداف کارآمدی، عدالت و ثبات‌بخشی را نیز تأمین نماید.

در این طرح مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری با نقش واسطه‌ای وظیفه انتقال وجوه مازاد، به کمک ابزارهای مالی اسلامی به متقاضیان حضور فعال در عرصه اقتصاد را به عهده دارند و برای واسطه‌گری که بین بنگاه‌های اقتصادی با سپرده‌گذاران انجام می‌دهند، کارمزد دریافت می‌کنند. الگو معیارهای تأمین مالی اسلامی را تأمین می‌کند. ضوابط نظام مالی اسلامی شامل ضوابط عام و خاص است. روش‌هایی برای استفاده از پس‌اندازها در تولید معتبر است که با عدالت اجتماعی و اخلاق اسلامی سازگار باشد که یکی از آن شیوه‌ها نظام مشارکت است.

شرکت اجتماع حقوق چند مالک در یک شیء به نحو اشاعه است؛ از جمله مزایای نظام مشارکت تطابق با عدل و قسط، توزیع عادلانه درآمد و کاهش هزینه تولید است. مهم‌ترین مشکلات اجرایی عقود مشارکتی در نظام بانکی، ساختاری است. این الگو دارای ویژگی‌های محتوایی و ساختاری است که در آن مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری نقش واسطه‌گری دارند و وظیفه اصلی آنها انتقال وجوه مازاد است. این مؤسسه‌ها منابع مالی لازم را برای طرح‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی کوچک، متوسط و بزرگ جمع‌آوری و آنها را تأمین مالی می‌کنند. فعالیت‌های مشارکتی از بانک‌های فعلی جدا و به این مؤسسه‌ها منتقل می‌شود. این مؤسسه‌ها از اختیارات و توانایی‌های دیگری مانند انتشار اوراق و ابزار مالی اسلامی نیز برخوردارند.

الگو با توجه به اصول موضوعه اقتصاد اسلامی و در چارچوب فقه اسلامی طراحی شده است. بین بخش پولی و واقعی اقتصاد تعادل برقرار و به ثبات اقتصادی، رشد تولید ناخالص ملی، تقویت پایه‌های اقتصاد، گسترش عدالت اجتماعی کمک می‌کند. ضمن بیان راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب نیازهای تسهیلاتی، بنگاه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی در دو گروه اقتصادی

طبقه‌بندی شده است: ۱. ایجاد سرمایه و راه‌اندازی؛ ۲. جریان تولید و سرمایه در گردش. پاسخگویی کامل به همه آنها یکی از الزامات الگو است. این الگوی به تدریج با اجرای زمان‌بندی در یک دوره پنج ساله و در چهار مرحله اجرا می‌شود:

مرحله اول: تشکیل ستاد اجرایی و نظارتی برای تأسیس مؤسسه‌های موجود در الگو و تحول نظام مالی؛ مرحله دوم جداسازی و تفکیک عقود مشارکتی از بانک‌ها و سپردن آنها به الگوی پیشنهادی؛ مرحله سوم تفکیک کامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مربوطه از نظام بانکی و استقرار این مؤسسه‌ها و مرحله چهارم تکمیل فرایند اجرا و استقرار کامل الگو می‌باشد.

منابع

۱. اصفهانی، حسین بن محمدرآغب (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، ۱ جلد، ۱، لبنان-سوریه: دارالعلم-الدارالشامیه.
۲. ایوب، محمد (۱۳۹۲)، شناخت نظام مالی اسلامی، ترجمه حامد تاجمیر ریاحی و علی راه‌نشین، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و سازمان بورس و اوراق بهادار.
۳. بانک.م.ج.ا.ا. اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، اداره روابط عمومی، ش ۹۱، در سال ۱۳۹۶.
۴. توکلی، محمدجواد (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «درآمدی بر چیستی، قلمرو و چشم‌اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی»، معرفت اقتصادی، سال دوم، ش ۱، پیاپی سوم، ص ۷۱.
۵. الجفری، یاسین عبدالرحمن (۱۴۲۱هـ-۲۰۰۱م)، «الاستثمار او الوساطة فی الاقتصاد الاسلامی»، مجله جامعه الملك عبدالعزيز، الاقتصاد الاسلامی، م ۱۳، ص ۸۳-۸۹.
۶. حسین‌زاده، محمد (۱۳۸۲)، پژوهش تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۷. حلّی، جمال‌الدین، احمد بن محمداسدی (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ جلد، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. حلّی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. خوانساری، سیداحمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۷ جلد، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. داوودی، پرویز و حسین صمصامی (۱۳۸۹)، به سوی حذف ربا از نظام بانکی، تهران: دانایی توانایی.
۱۱. سزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، ۲ جلد، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. السویلیم، سامی ابراهیم (۱۴۱۸هـ-۱۹۹۸م)، «الوساطة المالیة فی الاقتصاد الاسلامی»، مجله جامعه الملك عبدالعزيز: الاقتصاد الاسلامی، م ۱۰، مرکز دراسات شركة الراجحی المصرفیه-الریاض.
۱۳. سویلم، سامی ابراهیم (اردیبهشت ۱۳۸۰)، «واسطه‌گری مالی در اقتصاد اسلامی»، ترجمه: محمدجواد توکلی، معرفت، ش ۴۱، ص ۱۱۲-۱۴۰.

۱۴. طالبی، محمد و حسن کیائی (۱۳۹۱)، «ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران تحقیقات مالی اسلامی»، ج ۱، ش ۲، ص ۳۷-۵۵.
۱۵. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، سیدمحمدتقی کشفی، ۸ جلدی، چ ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۶. عاملی، شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی-کلاتر)، شارح: سیدمحمد کلاتر، ۱۰ جلدی، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری.
۱۷. غفاری، هادی (۱۳۸۶)، نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۸. فیض مشکینی، علی (آیت الله مشکینی) (بهار ۱۳۸۱)، مصطلحات الفقه، چ ۳، قم: انتشارات الهادی.
۱۹. محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳)، الگوی بانکداری اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چ ۱، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، دروس فلسفه اخلاق، ش ۱۷، چ ۶، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۲. المصری، رفیق یونس (۱۴۱۸ه-۱۹۹۸م)، «ماهیه المصرف الاسلامی»، مجله جامعه الملک عبدالعزیز: الاقتصاد الاسلامی، مرکز ابحاث الاقتصاد الاسلامی کلیة الاقتصاد والادارة، م ۱۰، ص ۶۱-۶۷.
۲۳. معرفی محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۳)، علم اقتصاد و مسئله شناخت، نقدی معرفت‌شناختی بر روش‌شناسی اقتصاد نئوکلاسیکی، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۴. موسویان، سیدعباس (پاییز ۱۳۸۵)، «الگوی جدید بانکداری بدون ربا»، اقتصاد اسلامی، سال ۶، ش ۲۳، ص ۱۳-۵۰.
۲۵. موسویان، سیدعباس (بهار ۱۳۸۶)، «نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین»، اقتصاد اسلامی، سال ۷، ش ۲۵، ص ۹-۳۶.
۲۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (ه‌ق)، تحریر الوسیلة، ۲ جلدی، چ ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
27. Little, Daniel (1996), "Philosophy of Economics", *Rutledge Encyclopedia of the Philosophy of Social Science*, Jessica Pfeifer & Santora Sarker (eds.), Vol. 1, P. 225.
28. Beng Soon Chong (2009), "Ming-Hua Liu, Islamic banking: Interest-free or interest-based?", *Pacific-Basin Finance Journal*, Vol. 17, PP. 125-144.